

به نام خدا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ
دانشکده هنر و معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر

بررسی زندگی و تحلیل آثار بهمن محمص

نگارش و تحقیق
آرمان خلعتبری لیماکی

استاد راهنما
دکتر جواد علیمحمدی
استاد مشاور
دکتر بهنام جلالی

تابستان ۱۳۹۱

چکیده:

پژوهش حاضر که به روش توصیفی، تحلیلی انجام پذیرفته است در پی آن است تا به بررسی و تحلیل زندگی و آثار **بهمن محمص** به عنوان یکی از پیشگامان هنر نوگرای ایران در دو حوزه نقاشی و مجسمه سازی و نیز به عنوان یکی از معدود شخصیت های تاثیرگذار در هنرهای تجسمی معاصر ایران بپردازد. هدف این پژوهش تحلیل و بررسی مهم ترین اتفاقات و دوره های هنری این هنرمند همانند نقاشی، مجسمه سازی، ترجمه، کارگردانی تئاتر و دوبلاژ بوده که در هر کدام از این حوزه ها تلاش های وی قابل تامل می باشد.

متن حاضر ضمن بیان زندگینامه هنرمند و کارنامه کاری وی به تاثیرات اجتماعی و نیز شرایط روزگار او نیز توجه داشته در بخش دیگر به تحلیل اصلی ترین مولفه های کاری محمص پرداخته است. از جمله مهم ترین این ویژگی ها که در متن حاضر نیز بدان پرداخته شده می توان به مولفه هایی همچون انزوا، دوگانه ها، استفاده از اسطوره های یونانی و نیز تفسیر شخصی هنرمند از آن در کنار عوامل دیگری همچون اهمیت اندام در آثار هنرمند اشاره نمود.

واژگان کلیدی: زندگینامه بهمن محمص، انزوا، دو گانه ها، اسطوره، اندام

فهرست مطالب:

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۱.....
فصل اول - کلیات تحقیق.....	۵.....
۱-۱ - بیان مسئله.....	۵.....
۲-۱ - سوال تحقیق.....	۷.....
۳-۱ - فرضیه پژوهش.....	۷.....
فرضیه اصلی.....	۷.....
فرضیه های فرعی.....	۸.....
۴-۱ - پیشینه تحقیق.....	۸.....
۵-۱ - روش تحقیق.....	۸.....
فصل دوم - زندگینامه هنرمند.....	۱۲.....
۱-۲ - سال های آغازین.....	۱۲.....
۲-۲ - ورود به تهران.....	۲۸.....
۳-۲ ایتالیا، سرآغاز نگاهی نو.....	۴۰.....
۴-۲ دهه چهل و بازگشت محصص به ایران.....	۵۲.....
۵-۲ انقلاب ایران و بازگشت هنرمند به ایتالیا.....	۱۴۸.....
۶-۲ دهه هفتاد بازگشت هنرمند به ایران.....	۱۵۱.....
۷-۲ خاکستر مرگ.....	۱۵۹.....

فصل سوم - نگاهی گذرا به مدرنیسم هنری در ایران.....	۱۶۱
فصل چهارم - دوره های کاری محمص.....	۱۶۶
۱-۴ - دوره نخست: کارگاه حبیب محمدی.....	۱۶۷
۲-۴ - دوره دوم: ورود به تهران، جلیل ضیاپور، تجربه های جدید و سیاست.....	۱۶۷
۳-۴ - دوره سوم: نمایشگاه سالن ملاقات رم.....	۱۷۰
۴-۴ - دوره چهارم: فی فی از خوشحالی فریاد می کشد.....	۱۷۱
۵-۴ - دوره پنجم.....	۱۷۲
۶-۴ - دوره ششم.....	۱۷۲
فصل پنجم - مرزهای انزوا.....	۱۷۵
۱-۵ - شیوه های منزوی سازی.....	۱۷۵
۲-۵ - موقعیت آستانه ای و دوگانه ها.....	۱۹۱
۳-۵ - بدن انسان.....	۱۹۴
اسطوره و جایگاه آن در آثار بهمن محمص.....	۲۱۱
فصل ششم: یافته های پژوهش.....	۲۲۴
نتیجه گیری.....	۲۲۵
فهرست منابع.....	۲۲۷

مقدمه:

پایان نامه حاضر با عنوان **بررسی زندگی و تحلیل آثار بهمن محمص** بر اساس شیوه نامه دانشگاه **علم و فرهنگ**، در دو بخش کلی در قالب شش فصل تدوین گردیده است. بخش نخست زندگینامه هنرمند و دیگری تحلیل و بررسی دوره ها و مولفه های کاری وی می باشد. در خصوص چرایی انتخاب رویکرد مذکور توضیحاتی چند ضروری می نماید.

فصل نخست پایان نامه حاضر به فراخور ساختار دانشگاهی آن به بیان کلیات تحقیق، بیان مسئله، سوالات تحقیق و نیز فرضیات مطرح شده توسط نگارنده اختصاص یافته به دلیل تشریح بهتر موضوع و شرایط حاکم بر تحقیق پیشینه موضوع فوق را در فضای مطالعاتی و موجود یادآور گردیده است. در پایان نیز روش پژوهشگر در مواجهه با موضوع مورد نظر به اختصار بیان گردیده است.

فصل دوم پایان نامه حاضر به بیان زندگینامه هنرمند و کارنامه کاری وی پرداخته است. مطالعات و پژوهش های هنری در نگاهی کلان اقسام گوناگون دارند که در این بین یکی از بنیادی ترین و نیز با اهمیت ترین آن ها توجه و مذاقه پیرامون زندگینامه هنرمندان است. در خصوص چرایی اهمیت این نوع نگاه دلایلی چند وارد است که به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می گردد. نخست آن که بررسی و مطالعه زندگینامه هنرمند به محقق امکان کشف و پیگیری پروسه کاری وی را داده تصویری کامل از کارنامه کاری او ارائه می دهد. اطلاعات بدست آمده از این بررسی ها خود پایه و اساس بسیاری دیگر از انواع نقد و تحلیل هنری را نیز فراهم می آورد تا جایی که می توان گفت در صورت نبود اطلاعات فوق بسیاری از دیگر شیوه های نقد و بررسی راه به جایی نخواهند برد. مقایسه و ارزیابی سطح کیفی و کمی آثار هنرمند با یکدیگر و دیگر هنرمندان و نیز بررسی آن در جریان شناسی هنری دوران خود و یا دیگر ادوار هیچ کدام محقق نخواهند شد مگر آن که مطالعاتی جامع و کامل در خصوص کارنامه کاری و حتی زندگینامه هنرمند صورت پذیرفته باشد. اهمیت این امر به گونه ایست

که امروزه بسیاری از هنرمندان مطرح خود افرادی متخصص را به عنوان زندگینامه نویس در کنار خویش داشته، از افرادی همچون عکاسان و فیلم سازان نیز در این امر بهره می برند. امری که صرفاً جنبه تبلیغاتی نداشته امکان نقد و ثبت بهتر پیرامون هنرمند و آثار وی را فراهم می آورند. از نمونه های معروف این نوع همراهی را می توان در کارنامه کاری منتقدین بزرگی همچون دیوید سیلوستر در مواجهه با فرانسیس بیکن مشاهده نمود. متأسفانه با وجود اهمیت بالای این رویکرد امر فوق در ایران چندان رواج نداشته تا جایی که گاه آن را امری بی حاصل نیز می خوانند. آسیبی که در یک دهه اخیر و با رواج ظاهری برخی نظریات اندیشمندان غربی شدتی بیشتر نیز یافته است. از این رو در مطالعات هنری محققین ایرانی و نیز اطلاعات پیرامون هنر ایران همواره شاهد نقاط تاریک بسیار می باشیم. تعلل در ثبت اطلاعات در بسیاری از مواقع به نابودی کامل و بدون بازگشت آن ها منجر می گردد. سنت روایت شفاهی و عدم ثبت اسناد در ایران امروزه یکی از اصلی ترین آفت ها و نقایص در حوزه نقد به شمار می رود. نکته آخر در این خصوص آن که بر خلاف باور بسیاری، زندگینامه نویسی و مطالعه پیرامون این امر توان آن دارد که علاوه بر رویکردی توصیفی، جنبه تحلیلی نیز بیابد که این خود بر ارزش های آن خواهد افزود. متن حاضر در بخش زندگینامه هنرمند تلاش داشته است تا با نگاهی توصیفی تحلیلی به این امر اقدام نماید.

سومین فصل این تحقیق نگاهبست گذرا به مدرنیسم هنری در ایران. ضرورت حضور فصل مذکور در متن حاضر از آن رو می باشد که نگارنده و بسیاری محققین دیگر در خصوص تمایز و تفاوت بسیار بهمن محمص با جریان کلی هنر معاصر ایران تاکید داشته اثبات این امر جز با مقایسه با جریان شناسی حاکم بر هنر نوگرای ایران میسر نخواهد گشت. طبیعی است که تحلیل و بررسی هنر نوگرای ایران خود بحثی جداگانه می باشد. از این رو نگارنده تلاش داشت تا تنها به بیان مهم ترین ویژگی های این جریان پرداخته امکان مقایسه و تحلیل بهتر را فراهم آورد و از بیان بیهوده تاریخ هنر اجتناب ورزیده است.

پایان نامه در فصل چهارم با بیان دوره های کاری بهمن محمص ادامه می یابد. ضرورت امر فوق از آن جهت است که تقسیم بندی کارنامه کاری هنرمندی همچون محمص به دوره های مختلف با توجه به تغییرات بسیار در آثار او در عین پیوندهای فکری در تمامی آن ها امکان بررسی سیر تحول و پیشرفت آنان را فراهم می آورد. از این رهگذر می توان با کشف وجوه مشترک میان دوره های مختلف کاری فرد مذکور پی به بن مایه های فکری او نیز برد. همچنین این امر توان آن را دارد تا محقق را به درک بهتری از تاثیرات عوامل خارجی به آثار هنرمند رساند. به عنوان مثال نگارنده ورود محمص به تهران را یکی از دلایل ایجاد تغییرات فکری و بلوغ هنری هنرمند دانسته در ادامه نیز به شرح سایر این تاثیرات پرداخته است.

بخش پنجم متن به تحلیل و بررسی اصلی ترین مولفه های آثار محمص می پردازد. با توجه به این نکته که آثار هنرمند مذکور با وجود اعتبار بالای آن کمتر مورد نقد و بررسی اصولی و دقیق واقع گشته است پرداختن به این حوزه از دیگر موارد ضروری در خصوص هنرمند مذکور می باشد. در عین حال شرح چپستی آثار محمص و بیان بن مایه های فکری وی عملاً خود دریچه ای بر دیگر نقدها و امکان پذیر ساختن آن ها می باشد چرا که سایر زوایای ممکن در نقد آثار هنرمند عملاً همگی مبتنی بر این مولفه ها می باشند. در آثار بهمن محمص مفاهیمی نظیر تقابل و دوگانگی، اهمیت اندام انسانی، استفاده از موضوعات اسطوره ای و منزوی سازی موضوع از اصلی ترین مولفه های کاری وی به شمار می روند.

فصل ششم به بیان یافته های تحقیق و نتیجه گیری پرداخته به اختصار در خصوص رد یا تائید فرضیات مطرح شده و میزان حصول پاسخ و نتیجه از سوالات طرح شده در ابتدای تحقیق اشاره گردیده است.

در پایان نامه حاضر برای سهولت خوانش متن و دسترسی آسانتر اسامی افراد و نام های خاص به صورت حروف سیاه (بولد) آمده است. ارجاعات به صورت درون متنی بوده، پاره ای از توضیحات فرعی

اما ضروری در قالب پی نوشت ارائه گردیده است. شماره پی نوشت ها از آغاز متن تا به انتها ادامه می یابد. نقل قول ها نیز به جهت تشخیص و تمایز از متن اصلی به صورت مایل (ایتالیک) آورده شده است. در پاره ای موارد نقدهایی بر گفته های افراد صورت گرفته است که به معنای نادیده انگاشتن جایگاه هنری و علمی این افراد نبوده تنها تلاشیست در نزدیکی بیشتر به واقعیت موضوع.

متن حاضر به سرانجام نمی رسید اگر همکاری ها و مساعدتهای خانم ها لیلی گلستان، توکا ملکی،

ایران درودی، پوران طاهباز، خانم ضیاپور، ثمره رحیمی و آقایان شهروز نظری، علی

عابدینی، داریوش کیارس، بهرام دبیری، فرهاد ورهرام، حسین محجوبی، جواد مجابی،

حسن محمصی، منصور محمصی، پیمان برنجی، محمد خلعتبری، نیما فلاح و دیگر دوستان و

اساتید و نیز مسئولین کتابخانه دانشگاه تهران به ویژه آقای نعیمی، مسئولین کتابخانه مجلس و نیز

مسئولین موزه هنرهای معاصر نمی بود. نگارنده بدین وسیله از تمامی این عزیزان تشکر و قدردانی می

نماید. سپاس فراوان از جناب آقای دکتر علیمحمدی که در تمام طول این پروژه لطف بیکرانیش شامل

حال نگارنده گردید و نیز جناب آقای دکتر جلالی که با نظرات خود کمک شایانی در به سرانجام

رسیدن متن حاضر نمودند و نیز با تشکر از تمامی اساتید محترم دانشگاه علم و فرهنگ.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ - بیان مسأله:

مدرنیسم در حوزه هنر ایران در حدود هفت دهه پس از شکل گیری آن در غرب وارد کشور گردید. امری که به یکباره صورت نگرفت و از همان ابتدا با مشکلات و مصائب بسیار همراه بود. شرایط سیاسی و اجتماعی آن روزگار، آشنایی هنرمندان با هنر معاصر جهان و نیز دیگر عوامل اجتماعی و فرهنگی زمینه ساز رواج و گسترش جنبش هنر مدرن در جامعه هنری ایران گشته، رفته رفته آن را به جنبش اصلی هنر این کشور تبدیل نمود. رویدادی که در نهایت با برگزاری نخستین بینال تهران (۱۳۳۷ ه.ش) از سوی جامعه رسمی آن روزگار نیز به رسمیت شناخته شد.

هنر نقاشی نوگرایی ایران در طول این سال ها مسیری پرفراز و نشیب را پشت سر نهاده است که با وجود مشکلات بسیار نباید این جنبش را به تمامی حرکتی تزئینی و عقیم دانست. در فضای کلی هنر نقاشی آن روزگار که بیشتر هنرمندان گرایشات تزئینی داشته و یا تنها در پی جلب توجه به عنوان هنرمندی آوانگارد بودند، معدود هنرمندانی نیز در پی برخوردی آگاهانه با مدرنیسم برآمده، علاوه بر آن نسبت به مسائل پیرامون خود و موضوعات بنیادین انسانی واکنش نشان دادند. بهمن محمص از این گروه هنرمندان می باشد. توجه و مذاقه پیرامون هنرمندانی از این دست و بررسی آثار آنان و نیز عوامل ساخت و شکل گیری چنین آثاری علاوه بر آشنایی بیشتر مخاطبین هنر معاصر ایران می تواند راهگشای فعالان امروز این حوزه نیز باشد. آثار بهمن محمص توان آن دارند تا از زوایای گوناگون مورد بررسی و مطالعه واقع گردند. از یک رو تحلیل روانشناختی و از سوی دیگر نگاه جامعه شناسانه در

کنار نقدهایی همچون نشانه‌شناسی و غیره که همگی در بررسی این آثار مفید و ضروری به نظر می‌رسند. لیکن نباید فراموش کرد که تمامی این نوع نقدها نیازمند مواد خام اولیه و نیز تحلیل بنیادین درونمایه‌های کاری هنرمند می‌باشند. از این رو نگارنده در تحقیق فوق و به واسطه نبود اسناد و مدارک کافی بر آن گشت تا به این مهم اقدام نماید. به همین جهت در تحقیق ارائه شده دو فصل کلی بیوگرافی و تحلیل و بررسی مولفه‌های بنیادین آثار هنرمند مبنا و هدف اصلی قرار گرفت. بخش نخست، زندگینامه محصص به ویژه کارنامه کاری وی با ذکر بسیاری جزئیات بوده که تا به امروز کاملترین متن در خصوص هنرمند می‌باشد که در عین بیان کارنامه کاری وی اشاراتی نیز به بسیاری وقایع مهم آن روزگار دارد. ضرورت چنین نگاهی سبب شد تا در کنار پرداختن به نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های شخص هنرمند به حضور آثار وی در برخی اتفاقات مهم روزگار خود که توسط افراد و گروه‌های دیگر نیز رخ داده است اشاره گردد چرا که با وجود مستقل بودن این اتفاقات از خواست هنرمند و شرکت یافتن آثار وی توسط دیگران در این نمایشگاه‌ها، نوعی حضور و حیات مستقیم هنرمند در روزگار خود را گواهی داده در عین حال برخی از این اتفاقات از جمله مهم‌ترین وقایع هنری معاصر ایران می‌باشند. اتفاقاتی از این دست همگی مربوط به پیش از انقلاب بوده به حضور آثار محصص به طور غیر مستقیم در برخی نمایشگاه‌ها و حراجی در بعد از انقلاب هیچ اشاره‌ای نگشته است. دلیل این امر آن است که این نمایشگاه‌ها عموماً شامل آثار قدیمی هنرمند بوده به هیچ عنوان همراهی و حیات هنرمند در فضای معاصر را نمی‌رسانند. دوری محصص از جریان‌شناسی هنر ایران بعد از انقلاب و عدم نمایش آثارش در غالب نمایشگاه‌ها در ایران و حتی ایتالیا از دیگر این دلایل می‌باشد. اشاره و بیان کلیه فعالیت‌های هنرمند در دیگر رشته‌ها مانند تئاتر و ترجمه نیز با ذکر جزئیات فراوان صورت گرفته است. امری که از علاوه بر اهمیت تاریخ‌نگاری و زندگینامه نویسی از دیگر جهات نیز حائز اهمیت می‌باشد. به عنوان مثال وجود وجوه مشترک میان آثار تجسمی هنرمند با درونمایه برخی از ترجمه‌ها و تئاترهای اجرا شده توسط او عملاً اثباتی بر آگاهی وی بر مضامین کارهای خودمی‌باشد. از این رو آثار فوق در دیگر رشته‌ها نیز بیانگر ویژگی‌های فکری هنرمند بوده اشاره به

تمامی آن‌ها ضروری می‌باشد. یادآوری این نکته ضروریست که نگارنده در این بخش تنها رویکردی تاریخی پیش نگرفته بلکه رویکردی تحلیلی و انتقادی نسبت به آن اتخاذ نموده است. همچنین بررسی بسیاری از اتفاقات هنری این دوران به واسطه حضور هنرمند در آن‌ها به نوعی نگاهی گذرا به جریان شناسی هنر معاصر را نیز شامل می‌گردد. بخش دیگر پایان نامه بررسی و تحلیل مولفه‌های بنیادین آثار هنرمند می‌باشد. پیوند عمیق میان نقاشی و مجسمه در کارنامه کاری وی سبب گشت تا بررسی این دو رشته در کنار یکدیگر صورت گیرد.

۲-۱ - سوال تحقیق

سوال اصلی:

۱- مولفه‌های بنیادین آثار بهمن محمص چیست؟

سوالات فرعی:

۱- عوامل موثر در شکل‌گیری آثار بهمن محمص کدام است؟

۲- شرایط جامعه هنری ایران در نقاشی و مجسمه‌سازی آن روزگار مبتنی بر چه رویکردی بوده است؟

۳-۱ - فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی:

نگرشی آرمانگرایانه و تلاش برای رسیدن به بیانی جهانی، تحلیل مسائل بنیادین آدمیان، دوگانه‌انگاری و بیان امور متضاد (نگاه تقابلی) در کنار یکدیگر همچون خیر و شر، زمین و آسمان و همچنین استفاده از اسطوره‌های یونانی و تفسیر شخصی هنرمند از آن متاثر از فضای روزگار و نیز بیانی سوررئالیستی و اکسپرسیونیستی از اصلی‌ترین مولفه‌های آثار بهمن محمص می‌باشد.

فرضیه فرعی:

به نظر می‌رسد عوامل گوناگونی از قبیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و نگرش سیاسی آن روزگار در شکل‌گیری آثار بهمن محمص نقش بسزایی داشته باشند. سیطره انگاره‌های چپ‌گرا در فضای ایران دهه ۳۰ در کنار پشتوانه فرهنگی اقتصادی بهمن محمص سبب شد تا وی بدون گرایش یافتن به مارکسیسم متأثر از این فضا به شخصیتی آرمانگرا تبدیل شده در ادامه به واسطه سرخوردگی‌های اجتماعی به روایت این شکست پردازد.

۴-۱ - پیشینه تحقیق:

مطالعه پیرامون هنر معاصر ایران تا به امروز هیچ‌گاه صورتی کامل و دقیق نداشته، کمبودهای بسیاری در آن وجود دارد. در این بین بهمن محمص نیز مستثنی نبوده و تحقیقاتی جامع پیرامون وی صورت نگرفته است. چاپ دو کتاب از آثار بهمن محمص در ایتالیا، منبع با ارزشی برای دسترسی به آثار دوره‌های متفاوت این هنرمند فراهم آورد. معدود مقالات و نوشته‌های پیرامون این هنرمند در مطبوعات آن روزگار به علاوه پاره‌ای اطلاعات جسته و گریخته که همگی نیز در محاق فراموشی فرو رفته بودند در کنار مقالاتی چند در دو شماره دو هفته‌نامه تندیس تنها اطلاعات موجود در باره این هنرمند به حساب می‌آیند که بخش عمده‌ای از این مقالات نیز ژورنالیستی بوده در بسیاری موارد دارای کمبودها و نیز غلط‌هایی می‌باشند. علاوه بر آن در مستندی کوتاه درباره مجسمه‌های شهری ساخته بهمن کیارستمی نیز نگاهی گذرا به مجسمه نیلبک نواز و وضعیت فعلی آن انداخته شده است. در بین پایان‌نامه‌های موجود در دانشگاه‌های گوناگون نیز هیچ نمونه‌ای در خور توجه یافت نشده چنان‌که می‌توان این آثار را بیشتر بیان دوباره اطلاعات موجود دانست.

۵-۱ - روش تحقیق:

پایان نامه فوق در دو بخش کلی تدوین گشته است. بخش نخست آن به بیان زندگی نامه هنرمند پرداخته و در بخش دوم به بررسی و تحلیل آثار هنرمند و نیز دلایل پس پشت آن ها پرداخته است. از این رو در بخش نخست بیشتر اطلاعات از طریق کتابخانه ای و نیز مصاحبه با افراد گوناگون حاصل شده در بخش دوم عمده مطالب حاصل نقد و بررسی آثار هنرمند و دیگر مسائل مهم پیرامون آن خواهد بود. در این فصل به واسطه ضرورت تحقیق از شیوه مفصل بندی استفاده می شود. بخش عمده این فصل نیز تحلیل تصویری و ریشه یابی آن بوده ویژگی های عمده آثار محصص ذکر گشته، به فراخور نیاز از آراء و نظرات گوناگون استفاده گشته است.

کمبود مدارک و اسناد در خصوص موضوع فوق در کنار دیگر عوامل سبب شد تا نگارنده در تلاش برای جمع آوری اسناد و مدارک مورد نیاز خود از کلیه امکانات موجود بهره برداری نماید. در خصوص جمع آوری آثار هنرمند، دو کتاب چاپ شده از وی نقش عمده ای را ایفا نمودند که در کنار آن تصاویر کاتالوگ نمایشگاه ها و نیز اخبار چاپ شده در جراید آن روزگار نیز مفید واقع گشت. در کنار این منابع آرشیو خصوصی برخی افراد و نیز موزه ها و گالری ها از دیگر منابع در این خصوص به شمار می روند. بخش عمده ای از اطلاعات تاریخی، نقدها و مطالب استفاده شده در بخش زندگینامه از طریق جستجو در مجلات و روزنامه های آن روزگار بدست آمد. با وجود سختی های بسیار در یافت و کنکاش در این منابع نگارنده بدون در نظر گرفتن تاریخ نمایشگاه ها و فعالیات های هنری محصص به مطالعه و بررسی کامل بیش از ۲۰ مجله و روزنامه از تاریخ ۱۳۳۰ به بعد نمود. طبیعتاً که برخی شماره های مجلات و روزنامه های فوق در دسترس نبوده جستجوهای نگارنده نیز بیشتر بازه زمانی ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ را شامل گردید. چرا که بعد از این تاریخ و به واسطه دوری هنرمند از ایران و انزوای مضاعفش کمتر خبری از او را در جراید شاهد می باشیم. اما برای تکمیل اطلاعات پایان نامه این دوره زمانی نیز مورد بررسی و مذاقه واقع گشت. بررسی تقریباً تمامی شماره های مجلات فوق (این امر در خصوص روزنامه ها به دلیل مشکلات بسیار میسر نبود) نگارنده را به اطلاعات بسیار جالبی در خصوص هنرمند و فعالیت های وی رسانید که بخش عمده ای از آن در متن حاضر انعکاس یافته است. از دیگر

منابع مکتوب مورد استفاده در این تحقیق آثار مکتوب محصص در قالب مقاله و ترجمه‌نمايشنامه و داستان و نیز اطلاعات موجود در برخی کتاب‌های دیگر شکل می‌دهد که در جای خود از این منابع نیز استفاده شده است.

دیگر منبع مورد استفاده در متن حاضر مطالب و اسناد بدست آمده از طریق مصاحبه مستقیم با دوستان، نزدیکان، اقوام و افراد مطلع در خصوص هنرمند و فعالیت‌های وی می‌باشد. که شامل خانم‌ها لیلی گلستان، توکا ملکی، ایران درودی، پوران طاهباز و آقایان علی عابدینی، داریوش کیارس، بهرام دبیری، فرهاد وره‌رام، حسین محجوبی، جواد مجابی، حسن محصصی، منصور محصصی، و نیز مساعدت و همکاری بسیار شهروز نظری، خانم ضیاپور، و پیمان برنجی و دیگر دوستان می‌باشد. در عین حال و به دلیل تمایل نگارنده در تکمیل این پروژه منابع و افراد دیگری نیز برای مصاحبه و جستجوی بیشتر در نظر گرفته شده‌اند که مجال انتقال اطلاعات آنان در این متن نمی‌باشد.

بخش بسیار کمی از منابع و اطلاعات متن حاضر نتیجه جستجو و کنکاش در دیگر منابع بوده است. منابعی مانند فیلم مجسمه‌های شهری ساخته بهمن کیارستمی، سایت‌های اینترنتی معتبر و دیگر موارد که در بخش منابع به همگی آن‌ها اشاره می‌شود.

در توضیح منابع تصاویری نیز بیان چند نکته ضروریست. نخست آن که پاره‌ای از اسناد و مدارک مورد استفاده در متن فوق از آرشیو خصوصی برخی از دوستان، آشنایان و یا دیگر افراد بوده که به خواست آنان منبع تصاویر فوق قید نگشته است. البته این تصاویر در تعدادی کم بوده عدم ذکر منبع نیز به کلیت متن آسیبی نرسانده است. نکته دیگر آن که برخی از تصاویر متن حاضر برگرفته از دو کتاب چاپ شده از بهمن محصص می‌باشد که به واسطه عنوان مشترک هر دو، در بخش منبع تصویر به جای نام کتاب از دو عبارت کتاب اول و کتاب دوم استفاده شده است. که نام کامل آن‌ها عبارت است از:

کتاب اول - Bahman Mohassess: 1977. Studio visual roma

کتاب دوم - Bahman mohassess: 2007. Societa Editrice Romana

فصل دوم

۱-۱ سال های آغازین

در دهمین روز واپسین ماه سال یکهزار و سیصد و نه هجری شمسی، نخستین فرزند **میرزا جعفر قلی خان محمصی و بانو ملت الزمان** (تساویر ۴ تا ۷) در رشت دیده به جهان گشود.^۱ نامش را **بهمن** نهادند که در معنا توده ایست عظیم که سرازیر گشته هر چه در راهش باشد ویران و نابود می سازد و دیگر، نام فرشته ایست در باور ایرانیان باستان و کودک تازه زاده شده نیز به فرشته ای می مانست با چشمانی آبی. هر چند که در بزرگسالی جز دیو هیچ نکشید. مسقط الراس این خاندان همگی از ملاکین و زمینداران لاهیجان و در تجارت برنج و ابریشم شهره بودند.^۲ از اجداد اینان **حاج میرزا حسین خان** که در اوایل عصر صفوی می زیست در اوان جوانی به **هندوستان** رفته بخشی از عمر را در آن جا گذرانید^۳ و احتمالاً در زمان **شاه سلیمان** یا **شاه عباس دوم** به **ایران** بازگشت. از این رو وی را **حاج میرزا حسین خان هندی** (ملقب به **شازده**) نیز خوانده اند که در دربار **صفوی** مقام تقسیم خلعت یافت و اینان را محمص، از ریشه حصه به معنای نصیب، بهره و بخش نامیدند. القاب و عناوینی این چنین در این خاندان استمرار داشته حتی نتیجه **حاج میرزا حسین خان** نیز

^۱- در اندک منابع موجود پیرامون هنرمند تاریخ تولد وی به میلادی یعنی ۱ مارچ ۱۹۳۱ قید شده که در تقویم همان سال مطابق با تاریخ فوق می باشد. در برخی مقالات و نوشته ها به واسطه مراجعه به تقویم سال های دیگر تاریخ تولد وی به اشتباه چیز دیگری درج گردیده است.

^۲- خانواده محمص نیز در ابتدا در **لاهیجان** زندگی می کردند. بعدها با گسترش شهرنشینی و تغییرات اجتماعی به رشت مهاجرت نمودند. خانه پدری وی در رشت اکنون جزئی از **هتل اردیبهشت** می باشد. این هتل که پیشتر نیز در قالب ساختمانی کوچکتر وجود داشت در حدود سال های ۱۳۳۰ مصادف با مهاجرت خانواده محمص با خرید املاک فوق و نیز ملک مجاور به صورت امروزی ساخته شد.

^۳- تفکر حاکم بر دولت صفوی در آن روزگار سبب شد تا بسیاری از دگراندیشان، فلاسفه و شعرا و هنرمندان ایرانی مجبور به ترک **ایران** گشته بسیاری از آنان به هند بگریزند. گروه دیگر مهاجرین به هند را تجار و بازرگانان ایرانی تشکیل می دادند که صرفاً به دلایل اقتصادی به آن جا عزیمت می نمودند. به واسطه نبود مدارک کافی علت مهاجرت **میرزا حسین خان** به طور قطع مشخص نمی باشد.

مستوفی مالیات در شرق گیلان بود. از این روست که خانواده اینان در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به هنگامه دریافت شناسنامه نام محمص بر خود نهاد، پاره ای از آنان نیز نام هایی چون **مستوفی محمصی** و یا **محمصی** را برگزیدند^۴. لازم به توضیح است که برادر بزرگتر، یعنی **عباسقلی خان** (پدر اردشیر محمص) نام خانوادگی محمص را انتخاب کرد، جعفرقلی خان (پدر بهمن) نام خانوادگی محمصی را اختیار نمود. بهمن محمص آثار اولیه خود را با نام بهمن محمصی امضا می کرده بعدها در اواخر دهه ۱۳۲۰ از نام محمص برای خود بهره برد.^۵

به رسم روزگار، ایشان که خود از ملاکین و متمولین دیار خویش بودند با روی کار آمدن تشکیلات اداری مناصبی در آن اختیار نمودند. پدر بهمن کارمند وزارت پست و تلگراف و نیز رئیس صندوق پست رشت بود. عمویش عباسقلی (پدر اردشیر محمص) به تحصیل علوم قضایی پرداخته در تهران قاضی دادگستری شد.

ذوق و قریحه هنری در این خاندان را نباید تنها در بهمن و اردشیر محمص جستجو کنیم. به روایت **حسن محمصی** بسیاری از اینان دارای خطی خوش و دستی توانا در نقاشی بوده، قریحه شاعری نیز داشته اند. از جمله این افراد می توان به **حاج حسین خان رصدی** (تصویر ۸)، **حاج شیخ**

^۴- در مصاحبه با مهندس حسن محمصی به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۱

^۵- به تائید مهندس حسن محمصی در گفتگویی کوتاه به تاریخ هشت خرداد هزار و سیصد و نود و یک و گفتگوی تلفنی با ایراندخت محمص در همان تاریخ

